

نامه سرکشاده مهدی کروبی به صادق لاریجانی: عده ای متوهمنانه تصور می کنند مهدی کروبی فرزند احمد پا این بگیر و ببندها از میدان په در می رود

جناب آیت الله صادق لاریجانی

ریاست محترم قوه قضائیه

باسلام و آرزوی قبولی طاعات و عبادات ماه رمضان

همانطور که مستحضرید اینجانب در پی انتخابات پرشیبه ریاست جمهوری اخیر و پیامدهای دردناک و نگران کننده متعاقب آن، نامه های متعددی را به مقامات مسئول نوشته ام تا برخی نکات، انتقادات و اعتراضات را با مسئولان امر درمیان گذاشته و هشدارهای لازم را به آنها داده باشم. آخرین این نامه ها نیز خطاب به شماسست که به تازگی قبول مسئولیت کرده و بر صندلی قاضی القضاتی تکیه زده اید. و اکنون من شرح جلسات خود با نمایندگان جنابعالی و برخی مسائل حاشیه ای آن را که به پلمب دفتر شخصی و حزبی من منجر شد با شما در میان می گذارم تا به وظیفه شرعی و ملی خود عمل کرده باشم. باشد که آیندگان نگویند مهدی کروبی با فشار و تهدید و بزن و ببند کوتاه آمد و پا پس کشید و درخانه خزید و صدای حق خواهی اش کوتاه شد. که اگر شما ندانید، دیگران میدانند که در سابقه مهدی کروبی، نه تنها فشار و تهدید و محدودیت و محصوریت کارساز نبوده و او را در پیمودن راهی که تشخیص داده سست و لرزان نکرده ، که محکم تر نیز کرده است.

جناب آقای لاریجانی

نمی دانم تا چه حد از آنچه که در جلسات ما با کمیته منصوب جنابعالی برای پیگیری حوادث اخیر گذشت با خبرید. برای آگاهی مردم و همچنین شما عرض میکنم که ما دو جلسه با آقایان محترم "خلفی ، محسنی اژه ای و رئیسی" داشتیم که این جلسات به صورت مطلوب و مناسبی نیز پیش رفت و در آنها گوشه ای و تعدادی اندک از اسنادی که نشانگر برخی اتفاقات ناگوار و غیرقابل بخشایش در روزهای پس از انتخابات بود ارائه و بازگو شد. در جلسه اول سه سند درباره سه نفر همراه با سی دی و مدارک لازم ارائه شد که نشانگر تجاوز و شکنجه و برخی اعمال رخ داده بر دختران و پسران در بازداشتگاههای مشخص و نامشخص بود. علاوه بر ارائه این سه سند، اشاره ای نیز به صورت شفاهی به اتفاقاتی شد که برای دو دختر یعنی ترانه موسوی «واقعی» و سعیده پورآقایی رخ داده بود. جلسه دوم نیز دوشنبه هفته جاری برگزار شد و حدود سه ساعت نیز به طول انجامید و در این جلسه نیز در کنار بحث های فراوان، من سندی جدید ارائه کردم البته با این قید و شرط که نباید به واسطه این افشاگری و حق خواهی، برای آن فرد و خانواده اش اتفاقی رخ دهد؛ اتفاقاتی از آن دست که پیش از این و در زمان مسئولیت دادستان سابق تهران برای یکی از افرادی که من به عنوان سند معرفی کرده بودم پیش آمد و برخی مشکلات خانوادگی و شاره های جدید مترتب بر آن خانواده شد. بدین ترتیب این بار سند خود را دادم اما سفارشات لازم را هم کردم که مباد غفلتی که دادستان قبلی تهران مرتکب شده بود تکرار شود و پای واسطه هایی به ماجرا باز شود که به جای دادخواهی و دفاع از حق مظلوم و محاکمه ظالم، دست اندرکار تهدید و بی آبرو کردن یک فرد در خانواده و نزد آشنایان و همسایگان شوند و از دیگر سوی آبروی دستگاه قضا آن هم در کنشوری اسلامی را به قیمت مصون ماندن ظالمان، چنین ارزان بفروشند. البته این را هم بگویم که در این جلسات که برای بررسی گزارش هایی از وقوع شکنجه و اعمال ناشایست انجام گرفته در زندان ها و پیگیری حوادث بعد از انتخابات تشکیل شده بود، باری از من پرسیدند که آیا تداوم جمع آوری اسناد شکنجه و تجاوز و کشتار مردم را به مصلحت می دانید و آیا ممکن نیست که این اسناد به دست ناهلان بیافتند؟ که من نیز در پاسخ گفتم این اسناد را در مکان محفوظی نگهداری می کنم و در صورت دستیابی به نتیجه، از بین خواهم برد و تاکید کردم که اسناد تجاوز و شکنجه هیچ مایه افتخار نیست که بخواهم آنها را در صندوقچه ای نگهدارم و یا بر دیوار بیاویزم. اسنادی است برای دستیابی به عدالت و ستاندن حق مظلوم از ظالم متجاوز که بعد از دستیابی به نتیجه، مرجح آن است که نابود شود و بوی متعفن و صورت آزاردهنده ظلم نهفته در آن از بین برود.

این را هم بدانید که اگر من در مسیر تحقیق خود به نتیجه ای خلاف نتیجه سابق در خصوص صحت و سقم ادعاهای یکی از شاکیان نیز رسیدم، خود پیش قدم بودم و تصحیح لازم را انجام دادم، از جمله در مورد سعیده پورآقایی که برخی تحقیقات تکمیلی من ناقص گفته های پیشین بود و از این رو تصحیح لازم از سوی خود من و هیات پیگیری، صورت گرفت. به هر حال اما این دو جلسه گذشت و من در پایان با اشاره به مورد دردناک دیگری که به تازگی گزارش آن به من رسیده بود گفتم که همچنان درصدد پی جویی جوانب این ماجرا هستم و اسناد آن را نیز پس از تحقیق کامل ارائه خواهم کرد. همچنین از من خواسته شد که در یافتن جوانب پنهان ماجرای ترانه موسوی تحقیق بیشتری انجام دهم و دستگاه قضایی را در این مسیر در روشن شدن زوایای پنهان ماجرا یاری رسان باشم. با این حال در پایان همان جلسه دوم پیشنهاد کردم - و این پیشنهاد مورد استقبال کمیته نیز قرار گرفت - که بیایید و ماجرای سند آوردن و سند بردن را در همینجا خاتمه دهیم و شما نیز در کار کشف حقیقت

شوید چرا که همین اسناد و موارد ارائه شده برای برافتاب انداختن حقیقت و تاباندن نورعدالت بر چهره اصحاب شرارت، کفایت می کند.

جناب آقای لاریجانی

این پیشنهاد را دادم و رفتم و جلسه ما با کمیته منتخب به خوبی خاتمه یافت. اما فردای آن روز ورق برگشت. جمعیتی با حکم دادستانی آمدند و به دفتر من حمله آوردند. آنجا را مورد تجسس قرار دادند و به تجسس در وسایل نیز بسنده نکردند که حتی نوشته ها و نامه های شخصی و چکها و اسناد خصوصی من را نیز مورد تجسس قرار دادند و بردند. آخر امر نیز دفتر را پلمپ کردند و به آذوقه ای که به رسم هرساله برای اطعام مساکین در آنجا انبار کرده بودم نیز توجهی نکردند و آنها را نیز مشمول توقیف خود قرار دادند و آقای داوری سردبیر سایت حزب اعتماد ملی را هم دستگیر و با خود بردند. کار پلمپ دفتر شخصی من تمام نشده بود که دفتر حزب اعتماد ملی را نیز که من دبیرکل آن هستم مورد تجسس قرار داده و وسایل و اسناد یک حزب ثبت شده در ذیل قوانین جمهوری اسلامی را نیز برخلاف قوانین کشور ضبط و سرانجام دفتر حزب را هم پلمپ کردند. به اینها نیز بسنده نشد که دکترعلیرضا بهشتی فرزند مرحوم آیت الله بهشتی و مهندس مرتضی الویری با آن سوابق انقلابی و داشتن سابقه نمایندگی مجلس و شهرداری تهران و سفارت جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی را نیز بازداشت کردند و دفتر موسسه نشر آثار مرحوم بهشتی به عنوان یکی از پایه گذاران جمهوری اسلامی هم در جمهوری اسلامی پلمپ شد. من مانده ام که آیا این اتفاقات که همگی در روز سه شنبه رخ داد نتیجه جلسه ای است که من روز دوشنبه با هیات منتخب شما داشتم؟ متعجبم، نه از آن رو که چرا با مهدی کروی چنین می کنند بلکه از آن رو که چگونه عده ای متوهمانه تصور می کنند مهدی کروی فرزند احمد با این بگیر و ببندها از میدان به در می رود و صدایش خفه می شود. حالا برایم روشن شده است که چرا برخی دوستان و مشاوران اصرار داشتند که اسناد مظالم و شکنجه ها و تجاوزها را از زبان رابیان مظلوم، به صورت سی دی درآورم و علاوه بر نسخه ای که به دستگاه قضایی تحویل می دهم، نسخه ای از آن را نیز در محلی امن نگهداری کنم. چراکه ماشین مرعوب سازی و رعب انگیزی همچنان درکار است و چه بسا که شاهدانی در زیر فشار و ارباب، سخن خود را نیز تکذیب کنند. چرا که کار جمهوری اسلامی به آنجا رسیده است که خانه مهدی کروی هم دیگر در امان نیست. چراکه هراتفاق ناگوار و ناشایستی در جمهوری اسلامی ممکن شده است و دیگر هیچ چیزی دور از انتظار نیست.

جناب آقای لاریجانی

من همچنان بر خواسته اولیه خود که در نامه ای به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح کرده بودم، پافشاری می کنم و چرا نگویم که بعد از این ارباب ها و بگیر و ببندها مصرتر از پیش نیز شده ام. و وقتی می بینم فرماندهی یک نهاد نظامی - که مدارک آن نیز موجود است- در نامه ای به وزارت بهداشت و درمان دستور می دهد که تحویل کپی اسناد و مدارک پزشکی به کلیه مجروحین و مصدومین حوادث اخیر ممنوع است، و بیمارستان ها را از تحویل اسناد به مجروحان و مورد تعدی قرار گرفتگان ممنوع می کند، بیش از پیش مصر می شوم که بفرماید دلیل این تهدیدها و واهمه ها چیست؟ بر پزشکان است که بر اساس سوگند خود تمام تلاششان را برای درمان مصدومان و بیماران حتی اگر آن مصدوم، دشمن پدرشان باشد میزول دارند. و شما در مقام قاضی القضاات داوری کنید چگونه یک پزشکی در مواجهه با چنین نامه هایی از سوی یک نهاد پر قدرت نظامی، می تواند با امنیت خاطر به وظیفه و سوگند پزشکی خود عمل کند. و اگر مظلومی در بیگناهی کشته شده باشد شما در مقام قاضی القضاات چگونه می توانید صدای حق خواهی خانواده او را بشنوید؟ یا اگر کسی مورد شکنجه یا تجاوز قرار گرفته باشد چگونه می تواند در چنین فضای رعب آلودی سند و گواهی خود را از مسئولان پزشکی قانونی دریافت کند و به دست شما برساند؟ بیشتر دعوی ما این بود که نظامیان چرا دخالت در اقتصاد و سیاست می کنند و اکنون می بینیم که اشتباه نظامیان با حساب و سیاست اشباع نشده و به سراغ طبابت هم آمده اند.

جناب آقای لاریجانی

تصور من این است که شما دعوی عدالت دارید و رجاء واثق دارم که به وظیفه خود در دادخواهی و دفاع از حق مظلوم و محاکمه ظالم آگاهیید. از این رو از شما می خواهم که برای روشن شدن افکار عمومی و در راستای انجام تکلیف شرعی و قانونی تان دستور پیگیری اسنادی را بدهید که تاکنون ارائه شده است. و در این مسیر از غالب شدن فضای ارباب و زد و بند ممانعت به عمل آورید و نگذارید که نیروهای مسلح و شبه نظامی بعد از فرمانروایی بر عرصه سیاست و طبابت، به فکر دخالت در کار قضاوت بیافتند و قله ای دیگر را به مفتوحات خود از پس انتخابات ریاست جمهوری دهم بیافزایند و کار را از این که هست خراب تر سازند. همچنین به شما توصیه می کنم تا در این فضا که مطبوعات آزاد به لطف دادستان معزول، در محاق توقیف فرو رفته اند مگذارید که برخی مطبوعات و قلم به دستان که به زعم خود درکار حمایت از اسلام اند و به زعم ما اما در مسیر اهانت به اسلام، بیش از این در حاشیه ای امن، دریده سخن بگویند و عدالت خواهی را به محاق بزنند و آرزوی دست

